

محمد رضا محمدزاده رهنی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان - عضو باشگاه پژوهشگران جوان

بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست

چکیده

محیط زیست موهبتی است خدایی که استفاده‌ی مفید از آن و حفاظت و سالم نگاه داشتن آن می‌تواند تأثیرات بسیار مثبتی در زندگی انسان داشته باشد. بر اساس اصولی مانند اصله الجواز و اصله الاباحه استفاده از محیط زیست اجازه داده شده و از آنجا که استفاده مفید از آن باعث ایجاد نشاط و طراوت روحی و جسمی و انجام بهتر وظایف دینی، شغلی و اجتماعی می‌شود؛ این نوع استفاده، برتری دارد و در صورتی که استفاده از محیط زیست باعث حفظ یا بازیافت سلامتی شود؛ می‌توان حکم مستحب یا حتی وجوب جهت استفاده از محیط زیست را اثبات کرد. راه کار عملی اسلام را در حفاظت از محیط زیست، می‌توان در بخش احیای موات یافت که در آن اسلام آن چنان به احیا و زنده کردن محیط زیست اهمیت داده که حتی برای احیاکننده امتیاز مالکیت را به رسمیت شماخته است. تخریب یا اتلاف یا آلوده سازی محیط زیست بنا به ادله‌ی فقهی زیادی همچون آیه‌های قرآن، روایت‌ها، قاعده‌ی اتلاف، قاعده‌ی لاضرر، دلیل عقل، سیره‌ی عقلا و ... منفی بوده و انسان موظف به حفظ محیط زیست و تأمین سلامت آن است. در این مقاله به بررسی فقهی حفاظت از محیط زیست از زوایای اشاره شده، پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی:

محیط زیست، حفاظت، اتلاف، احیای موات، لاضرر، مبانی فقهی

مقدمه

محیط زیست موهبتی است خدایی که در اختیار ما قرار گرفته تا از آن استفاده کنیم. در واقع تمامی محیط اطرافمان که در آن زندگی می‌کنیم محیط زیست ما محسوب می‌شود؛ این محیط شامل؛ پارک‌ها، جنگل‌ها، مراتع، دشت‌ها و... متعلق به همه بوده و وظیفه‌ی انسانی و اجتماعی و مذهبی هر انسانی است تا در حفاظت آن بکوشد و سلامتی آن را تأمین کند؛ مسلماً محیط زیست ناسالم، می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری بر سلامت روحی و جسمی انسان‌ها داشته باشد.

امروزه بحث حفاظت از محیط زیست، یکی از مباحث مهم جهانی محسوب می‌شود به گونه‌ای که در برخی موارد، درست نگهداری نکردن و یا رعایت نکردن استانداردهای حفاظت از محیط زیست در یک کشور می‌تواند سلامت کل جهان را مورد تهدید قرار دهد؛ تهاجمی که توسط برخی کشورها و انسان‌ها نسبت به محیط زیست صورت می‌گیرد، نگران‌کننده است.

تخریب بی‌رویه‌ی جنگل‌ها، شکار حیوانات، آلودگی محیط زیست از طریق زباله‌های خانگی و صنعتی، آلودگی هوا از طریق تولید و استفاده بیش از حد وسایل آلوده کننده، از بین رفتن و سوراخ شدن لایه‌ی ازن به دلیل مصرف بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای و ... همه از مواردی هستند که محیط زیست را تهدید می‌کنند.

همان‌گونه که می‌دانیم اسلام، کامل‌ترین دین‌ها است^۱ و در تمام جنبه‌ها و جوانب زندگی بشر، برنامه‌ی خاص خود را ارائه کرده است،^۲ ریزترین جنبه‌های زندگی از دید اسلام مخفی نمانده و تمام جوانب زندگی انسان مسلمان همراه با برنامه‌ی منظم، دقیق و پیشرفته است.

برای نمونه؛ احکام بهداشتی اسلام قبل، حین و بعد از غذا، احکام اعجاب برانگیز روزه و ... همه از دقت نظر این دین آسمانی نسبت به سعادت دنیوی و اخروی انسان است.

^۱. (الیوم اکملت لکم دینکم)

^۲. (لارطب و لا یابس الا فی کتاب مبین)

با توجه به این مطالب، باید اذعان کرد: دین اسلام نسبت به محیط زیست انسان‌ها بی‌توجه نبوده و برای آن احکام جامع و مانعی پیش‌بینی کرده است؛ محیط زیست، متعلق به همه‌ی انسان‌ها است و آنها باید به طور صحیح و با توجه به میزان سهمشان از آن استفاده کنند و از نابود کردن آن بپرهیزند. این مقاله بر آن است تا نظرهای فقهی اسلام را درباره‌ی حفاظت از محیط زیست بررسی کند.

اصل اباحه در استفاده از محیط زیست

در هنگام شک در احکام فقهی و نداشتن دلیل معتبر شرعی، معمولاً اصولی وجود دارد که فقها حکم اولیه‌ی آن مسائل را با توجه به اصل مربوط به آن مسأله صادر و سپس بیان می‌کنند که صدور حکم بر خلاف این اصل نیاز به دلیل و اثبات دارد. در باب طهارات و نجاسات می‌فرمایند:

« اصل این است که تمام اشیای جهان پاک هستند؛ مگر آن‌که نجاست آنها اثبات شود یعنی اصل بر پاکی تمام اشیاء است مگر آن‌که با دلیل و برهان قطعی و یقینی نجاست اثبات شود. » (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۲۸۶/۱؛ همو، مسالک الافهام، ۴۵/۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۲۶/۱؛ انصاری، کتاب الطهاره، ۱۰۱/۱) آیه‌ی ۲۹ از بقره بر این اصل دلالت دارد:

« اوست خدایی که همه چیز را در زمین برای شما آفرید. »^۱

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که همه چیز برای انسان خلق شده و برای او حلال و مباح است مگر این‌که عکس آن اثبات شود. بنابراین اگر حرمت یا کراهت یک عمل با دلیل معتبر شرعی اثبات شود، آن عمل حرام یا مکروه خواهد بود و چنانچه چنین دلیلی وجود نداشته باشد، آن عمل برای ما حلال و مباح خواهد بود. به این آزادی انسان‌ها در انجام اعمال دلخواه خود اصطلاحاً اصل اباحه یا اصل جواز گفته می‌شود.

^۱. «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»

در مورد استفاده‌ی انسان از محیط زیست نیز همین اصل؛ یعنی اصل اباحه یا اصل-جواز جاری است و او اجازه دارد تا از محیط اطرافش به هر نحو که خواسته باشد استفاده کند مگر این که نوع خاصی از استفاده او مشمول حکم ممنوعیت یا حرمت شده باشد.

جمله‌های زیر بر نمونه‌ای از این اصول اولیه دلالت دارند:

تمام اشیا و موضوعات برای تو حلال و مباح هستند مگر این که حرمت آن به صورت قطعی و یقینی اثبات شده باشد که در این صورت آن را ترک می‌کنی.^۱
تمام اشیا پاک و طاهر هستند مگر این که نجاست شیئی با دلیل و سند قطعی و یقینی اثبات شود.^۲

در همین زمینه، علم اصول اثبات کرده است که اصل در اشیا اباحه و آزاد بودن است مگر این که حظر و ممنوعیت با دلیل قطعی و یقینی اثبات شود.
بدین معنا که انسان‌ها درباره‌ی تمام کارهایی که انجام می‌دهند آزاد هستند و هیچ ممنوعیتی در کار نیست و تمام امور برای آنها مباح است مگر این که خلاف آن با دلیل قطعی و یقینی اثبات شود. (طوسی، النهایه، ۴۶۲؛ همو، الخلاف، ۴۵۰/۲؛ همو، المبسوط، ۲۹۹/۳؛ کرکی، جامع المقاصد، ۵۰/۷؛ شهیدثانی، مسالک الافهام، ۶۴/۷؛ اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۴۵۲/۸؛ انصاری، فرائد الاصول، ۱۵۶/۴)

دلایل و آیه‌ای که ذکر شد^۳ به خوبی دلالت بر آزادی انسان در تمام شؤون و از جمله در استفاده از محیط زیست دارد.

علاوه بر دلیل‌های ذکر شده می‌توان جهت اثبات آزادی انسان در استفاده از محیط زیست به دلیل‌های عقلی هم چون قبح عقاب بلا بیان نیز استناد کرد.
بنابر این دلیل چنانچه استفاده خاصی از محیط زیست حرام و ممنوع باشد، شارع مقدس باید آن را بیان و به ما ابلاغ فرماید و گرنه مؤاخذه بدون بیان قبیح خواهد بود. (رک، طوسی، النهایه، ۴۶۲؛ انصاری، فرائد الاصول، ۲۲/۲؛ مظفر، اصول فقه، ۲۵۱/۱)

^۱. «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه»

^۲. «کل شیء طاهر حتی تعلم انه قدر»

^۳. بقره / ۲۹.

بنابراین، انسان در استفاده از محیط زیست تا زمانی که حرمت اثبات نشده، آزاد است.

برتری استفاده از محیط زیست

استفاده‌ی مفید از محیط زیست مانند پارک‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دشت‌ها، چمنزارها، محیط‌های آبی و ... موجب شادابی روح و جسم انسان می‌گردد؛ تفریح سالم در دامان طبیعت موجب حفظ سلامتی، ایجاد نشاط جسمی و تقویت روح است و می‌تواند مقدمه‌ای جهت عمل کردن بهتر به وظایف دینی، اجتماعی، شغلی و ... باشد؛ بنابراین استفاده سالم از محیط زیست دارای فواید عقلایی و معتنابه است و بر این اساس می‌توان آن را دارای برتری دانست به همین دلیل هم نذر به آن تعلق می‌گیرد زیرا چنان که می‌دانیم؛ متعلق نذر می‌تواند مباح راجح باشد؛ برای نمونه، اگر کسی نذر کند چنانچه فلان حاجتم برآورده شود با خانواده به طبیعت می‌روم، این نذر صحیح بوده و در صورت برآورده شده حاجت، عمل به نذر بر او واجب خواهد بود.

از طرف دیگر می‌توان گفت: چنانچه حفظ سلامتی یا بازیافت سلامتی فردی منحصر به استفاده از طبیعت باشد؛ مانند کسانی که در برخی مشاغل سخت جسمی یا روحی فعالیت می‌کنند و یا بیمارانی که برای حفظ سلامتی باید در دوره‌ی مشخص به دامان طبیعت برده شوند؛ در این صورت استفاده از طبیعت برای این گروهها مستحب و حتی در مواردی واجب خواهد بود.

در جهت اثبات برتری استفاده از طبیعت می‌توان به آیه‌هایی از قرآن نیز استناد کرد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

« او (یوسف) را فردا با ما (به خارج شهر) بفرست تا در چمنزارها و مراتع بگردد و بازی کند و البته ما (از هر خطری) حافظ و نگهبان او هستیم. »^۱ (یوسف/۱۲)

در این آیه که از زبان برادران حضرت یوسف (ع) نقل شده به لزوم استفاده از محیط زیست اشاره شده است؛ زیرا برادران حضرت یوسف (ع) بهترین دلیلی که توانستند جهت جداکردن حضرت یوسف (ع) از حضرت یعقوب (ع) و اجرای نقشه‌ی شیطانی خود

^۱. «ارسله معنا غدا یرتع و یلعب و انا له لحافظون»

یعنی انداختن یوسف در چاه ارائه کنند؛ بردن یوسف به دامن طبیعت و توسل به نیاز انسان به استفاده از طبیعت است.

نکته‌ی قابل توجه این است که حضرت یعقوب (ع) نیز به این نیاز فرزند خود کاملاً آگاه بود و به استدلال فرزندان خود جهت بردن یوسف به طبیعت اعتراضی نمی‌کند، بلکه فقط به خطراتی که در طبیعت ممکن است وجود داشته باشد اشاره می‌فرماید:

« یعقوب(ع) گفت: من از آن محزون می‌شوم که او را ببرید و از آن می‌ترسم که گرگ او را بخورد در حالی که شما از او غافل هستید.»^۱ (یوسف/۱۲)

آیه‌ی دیگر در سوره‌ی بقره است:

« او خدایی است که همه‌ی آنچه در زمین است را برای شما خلق کرد.»^۲ (بقره/۲۸)

در مورد این آیه می‌توان چنین استدلال کرد:

لازمه‌ی این که تمام اشیا در زمین برای انسان خلق شده، استفاده‌ی عقلایی و بجا از آنها است و استفاده‌ی عقلایی از طبیعت و محیط زیست نیز استفاده‌ی درست و در جهت حفظ نشاط جسمی و روحی خواهد بود.

علاوه بر این آیه‌ها، بسیاری از آیه‌های دیگر نیز به انسان، لزوم استفاده از طبیعت و گردش و تعقل را یادآور می‌شود و این که باید در جهت بالا بردن کمالات روحی خود نیز کوشا باشیم و از تفکر در آثار و نشانه‌های خداوند در طبیعت غافل نمانیم.

آیه‌ی زیر نمونه‌ای از آنهاست:

«بگو (ای پیامبر) که در روی زمین بگردید آنگاه بنگرید که عاقبت آنها که تکذیب کردند چه بود.»^۳ (انعام / ۱۱)

از این مطالب، می‌توان نتیجه گرفت که حفاظت از محیط زیست به معنی استفاده نکردن از آن نیست؛ بلکه استفاده از محیط زیست، جایز و بلکه راجح است و در آیه‌های قرآن، امر به گردش در محیط زیست شده است و در مواردی که حفظ سلامتی به استفاده از محیط زیست منحصر باشد، حکم استحباب یا وجوب بر آن جاری خواهد بود بنابراین حفاظت از محیط زیست باید در کنار استفاده از آن صورت گیرد و تنها

^۱ « قال انی لیحزنی ان تذهبوا به و اخاف ان یاکله الذئب و انتم عنه غافلون »

^۲ « هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا »

^۳ « قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین »

استفاده‌ی صحیح و همراه با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی و پرهیز از اتلاف یا ضررزدن به آن می‌تواند ضامن حفظ محیط زیست و حفظ سلامت آن باشد.

راهکار عملی اسلام در احیای محیط زیست

دین مبین اسلام و احکام پیشرفته فقهی این دین آسمانی آنقدر به مسأله‌ی حفظ محیط زیست اهمیت داده که بحث مستقلی با عنوان « احیای موات » در کتاب‌های فقهی به این مسأله اختصاص داده شده و در آن احکام فقهی مربوط به احیا کردن و آباد کردن محیط زیست آورده شده است.

نمونه‌ی گفت و گوهایی که در آن مطرح شده عبارتند از:

۱- تعریف زمین موات و زمینی که احتیاج به احیاء دارد: زمینی که به دلیل نیاز شدن یا استفاده نکردن دیگران یا به دلیل آب گرفتگی و یا دلیل‌های دیگر از استفاده خارج شده است؛ موات نامیده می‌شود.

۲- تعریف احیا: هر عملی که باعث زنده شدن، بازگشتن آن به چرخه حیات و استفاده از زمین موات گردد از قبیل درختکاری، کشاورزی، ساختمان‌سازی و ... احیا نامیده می‌شود.

۳- مرجع تشخیص دهنده احیا عرف است؛ بنابراین هر نوع عملکردی که عرفاً احیا محسوب شود پذیرفته بوده و باعث مالکیت احیاکننده خواهد بود.

۴- شروط احیای مالکیت آور: با این شروط که شش شرط می‌باشد فردی که نسبت به احیای زمین اقدام می‌کند، مالک آن شناخته می‌شود. این شروط عبارتند از:

- ۱- شخص دیگری بر زمین موات دست نداشته باشد. ۲- کسی پیش از این مالک آن نبوده باشد. ۳- آن زمین حریم یک زمین آباد نباشد. ۴- محل برای عبادت نباشد. ۵- زمینی که پیامبر یا امام آن را تیول کسی قرار داده‌اند نباشد. ۶- اطراف آن سنگ چین نشده باشد.

با رعایت این شش شرط هر مسلمانی می‌تواند نسبت به آبادانی زمین اقدام کرده و در عین حال با شروع احیا، امتیاز مالکیت زمین نیز به او داده می‌شود. این امتیاز که در فقه اسلام برای احیاکننده در نظر گرفته شده خود نشان‌دهنده اهمیت است که در فقه

اسلام جهت حفظ و بازسازی و زیبا سازی محیط زیست در نظر گرفته شده است. (رک، شهید اول، اللعه دمشقیه، ۱۶۷/۲-۱۷۰)

موارد حرمت استفاده از محیط زیست

در کنار اصل جواز و اباحه در مورد استفاده از محیط زیست و هم‌چنین برتری استفاده‌ی مفید و عقلایی، شارع مقدس در مواردی نیز استفاده انسان از محیط زیست را محدود کرده و اجازه انجام برخی تصرفات را از ما گرفته است. مسلماً اگر انسان بخواهد بی‌رویه و بدون رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی به استفاده از محیط زیست بپردازد و در مواردی موجبات تخریب آن را فراهم سازد، این نعمت خدادادی نابود می‌شود و دیگران در استفاده از آن محروم می‌شوند. بنابراین عقل حکم می‌کند که انسان اجازه ندارد به طور غیر مجاز از طبیعت استفاده کند؛ بلکه باید در این مورد نیز تابع مقررات شرعی باشد. در این قسمت به بررسی قوانین شرعی درباره استفاده و محافظت از محیط زیست می‌پردازیم:

پرهیز از اسراف و تبذیر

چنان‌که می‌دانیم اسراف و تبذیر یعنی استفاده‌ی بی‌رویه و فراتر از حد نیاز و جزو گناهان کبیره محسوب می‌شود و خداوند در قرآن کریم در آیه‌های بسیاری از جمله موارد زیر، به اسراف‌کاران، وعده‌ی عذاب داده است:

- « مسلماً اسراف‌کاران اهل آتش دوزخند. »^۱ (غافر/۴۳)
- « بخورید و بیاشامید اما اسراف و زیاده‌روی نکنید. »^۲ (اعراف/۳۱)
- « مبذران و اسراف‌کاران برادران شیطان‌ها هستند. »^۳ (اسراء/۲۷)
- « البته خداوند مردم اسراف‌گر و دروغگو را هدایت نخواهد کرد. »^۴ (غافر/۲۸)

^۱. « ان المسرّفين هم اصحاب النار »

^۲. « كلوا و اشربوا و لا تسرفوا »

^۳. « ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين »

^۴. « ان الله لا يهدى من هو مسرف كذاب »

از مجموع آیه‌های بالا، به این نتیجه می‌رسیم که اسراف در هر جایی که باشد و از جمله در استفاده از امکانات محیط زیست؛ زشت، ناپسند و حرام مسلم شرعی است و عذاب‌هایی که بر آن وعده داده شده سخت و دردناک است؛ بنابراین می‌توان اولین ممنوعیت و حرمت را در استفاده از محیط زیست، استفاده‌ی بی‌رویه و همراه با اسراف دانست.

محقق نراقی در این باره می‌فرماید:

« تردیدی در حرمت اسراف نیست و اجماع قطعی و بلکه ضرورت دینی و آیات انبوه و اخبار متعدد بر این مطلب دلالت دارد. » (عوائد الایام، ۲۱۷)

حرمت اتلاف و تخریب محیط زیست

در مورد حرمت اتلاف و تخریب محیط زیست، دلیل‌های زیادی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- آیه‌های قرآن:

برخی از آیه‌ها بر حرمت اتلاف و تخریب محیط زیست دلالت دارند، از جمله:

- « در زمین پس از نظم و اصلاح آن به فساد برنخیزید »^۱ (اعراف/۸۵)
- « فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شد. »^۲ (روم/۴۱)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد:

« ظاهر این دو آیه عام بوده و تمام انواع فساد که نظام بشری و کره‌ی زمین را تهدید می‌کند را شامل می‌شود. » (۵۶/۲)

بنابراین تخریب و اتلاف محیط زیست مستقیماً به فعل انسان نسبت داده شده و توسط آیه‌ی اول از آن نهی گردیده و چنانچه در علم اصول ثابت است نهی ظهور در

^۱. « لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها »

^۲. « ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس »

حرمت و ممنوعیت دارد؛ پس هر گونه تخریب یا اتلاف یا ضرر بر محیط زیست از دید قرآن، حرام و ممنوع است.

۲- قیاس اولویت

نگارنده بر این نظر است که چون ثابت شد استفاده‌ی بیش از حد نیاز (اسراف) از محیط زیست حرام و ممنوع است به طریق اولی تخریب، اتلاف و از بین بردن محیط زیست نیز حرام خواهد بود.

۳- قاعده‌ی اتلاف

بر اساس این قاعده از بین بردن مال دیگری، حرام است و موجب ضمان می‌شود؛ (بجنوردی، القواعد الفقهیه؛ کتابهای قواعد فقهی دیگر، قاعده‌ی اتلاف) بنابراین تخریب و از بین بردن محیط زیست که جزو اموال عمومی است و حق استفاده از آن متعلق به همه‌ی مردم است نیز حرام و موجب ضمان خواهد بود.

۴- قاعده‌ی لاضرر:

۴-۱- مفهوم ضرر و ضرار

شناخت مفهوم ضرر و ضرار در شناخت قلمروی قاعده‌ی لاضرر و در نتیجه بحث حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد.

شیخ انصاری پس از نقل پاره‌ای از روایت‌های مستند این قاعده و ادعای تواتر آنها می‌نویسد:

«مهم روشن شدن معنی ضرر است؛ مفهوم ضرر در عرف روشن است؛ ضرر می‌تواند عمل ناپسند نسبت به دیگران و یا نقص در اعیان باشد.» (المکاسب، ۳۷۲)

ابن اثیر در النهایة آورده است:

«مفهوم فرمایش پیامبر(ص) این است که انسان نباید به دیگری ضرر بزند و از حق او چیزی بکاهد.» (۸۱/۳)

شیخ انصاری برای واژه‌ی ضرار نیز معناهای گوناگونی نقل می‌کند از جمله:

- ضرار مجازات بر ضرری است که از سوی دیگران به انسان می‌رسد.

- ضرار ضرر رساندن متقابل دو نفر بر یکدیگر است.
- ضرار در جایی است که فرد با ضرر زدن بر دیگران سودی دریافت نمی‌کند.
- ضرر و ضرار به یک معنا هستند. (المکاسب، ۳۷۲)
امام خمینی پس از نقل قول‌های گوناگون از کتاب‌های لغت و با استمداد از قرآن می‌نویسد:

« ضرر و اضرار بیشتر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده می‌شود و ضرار و برگرفته‌ای آن به معنای درتنگنا قرار گرفتن و رساندن ناراحتی و زیان به دیگران است، بنابراین ضرار به معنی ضرر، اصرار بر ضرر، مجازات بر ضرر و یا ضرر متقابل نیز هست. » (الرسائل، ۳۲/۱)

چنان‌که در کلام بسیاری از فقها و لغویون معلوم است بین معنی ضرر و ضرار تفاوت وجود دارد؛ البته این تفاوت معنایی باعث اختلاف برداشت از حدیث لاضرر نبوده و عمدتاً در کلام فقها کسی به این تفاوت معنا اشاره نکرده است در واقع فقهای بزرگوار بدون اشاره به این تفاوت، برداشت خود را از «لاضرر» ارائه کرده‌اند.^۱

۲-۴- مفهوم قاعده‌ی لاضرر

چنان‌که در باب قاعده‌ی لاضرر گفته شده است هر یک از دانشمندان قواعد فقهی این قاعده را به گونه‌ای تعبیر کرده‌اند:

الف) حمل نفی بر نهی

گروهی از فقها بر این باورند که مفاد قاعده‌ی لاضرر نهی از ایجاد ضرر است؛ یعنی ضرر زدن به یکدیگر از دیدگاه شرع ممنوع و حرام است. (موسوی‌بجنوردی، قواعد الفقهیه، ۲۱۶/۱)

ب) نفی ضرر غیر متدارک

^۱ به گمان می‌رسد باید به اختلاف معنای ضرر و ضرار در این حدیث توجه داشت؛ زیرا ضرار مصدر باب مفاعله است و می‌دانیم که برده شدن یک فعل ثلاثی مجرد به یکی از ابواب ثلاثی مزید بدون دلیل انجام نمی‌شود و باب‌های ثلاثی مزید غالباً دارای معنای بیشتر و افزون‌تر نسبت به ابواب ثلاثی مجرد هستند. باب مفاعله نیز از این قاعده مستثنی نبوده و غالباً برای رساندن دو معنا به کار می‌رود:

^۲ انجام یک عمل به صورت طرفینی، آن‌چنان‌که در باب تفاعل وجود دارد؛ مانند: (کاتب زید عمراً)

^۳ اصرار بر انجام یک عمل مانند آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره که می‌فرماید: «لاتضار والده بولدها»

گروهی دیگر آن را نفی ضرر غیر متدارک دانسته‌اند؛ بنابر این برداشت هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند یعنی اگر ضرر جبران نشود ضرر محسوب می‌شود و چون ضرر در شریعت اسلام نفی شده است پس باید در برابر آن تدارک باشد. (مراغه‌ای، العناوین، ۳۱۱/۱-۳۲۸؛ انصاری، مکاسب، ۳۷۲؛ مکارم‌شیرازی، القواعد الفقهیه، ۲۱۸/۱)

ج) نفی حکم ضرری

بنابراین نظر معنای حدیث «لاضرر» نفی حکم ضرری است؛ یعنی از سوی شارع مقدس هیچ حکم ضرری وضع نشده به دیگر سخن هر حکمی از سوی شارع مقدس صادر شده است، اگر زیان‌آور باشد، این حکم به استناد قاعده‌ی لاضرر برداشته می‌شود. **محقق نراقی و شیخ انصاری** و بسیاری از دیگر فقهای مشهور این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (عوائد الایام، ۵۱-۵۲؛ مکاسب، ۳۷۲)

د) نفی حکم به لسان نفی موضوع

بنابراین دیدگاه معنای جمله‌ی لاضرر این است که موضوعاتی که دارای حکمی از احکام با عنوان اولی هستند، وقتی که ضرری شوند و معنون به عنوان ضرر گردند، آن حکم از آن موضوع برداشته می‌شود. (آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۲۶۸/۲؛ موسوی بجنوردی، قواعد الفقهیه، ۲۱۶/۱)

تطبیق بحث قاعده‌ی لاضرر با محیط زیست

اکنون پس از بررسی کافی در باب قاعده‌ی لاضرر می‌توان حرمت ضرر زدن به محیط زیست را از این قاعده به ویژه با توجه به نظر **شیخ الشریعه اصفهانی و امام خمینی** استدلال کرد زیرا به نظر این دو فقیه بزرگوار حدیث لاضرر، نهی از ایراد ضرر می‌کند و این که هیچ کس حق ندارد بر خود یا دیگری ضرر وارد کند و از آن جا که استفاده از محیط زیست حق تمام انسان‌ها است؛ تخریب یا اتلاف آن ضرر بر بقیه محسوب می‌شود که بر اساس این قاعده منفی و حرام خواهد بود.

چنان که می‌دانیم جریان سمره بن جندب که عامل اصلی صدور حدیث لاضرر و لاضرار بوده است (رک، موسوی بجنوردی، قواعد الفقیه، ۵۵/۱-۵۶) ما را بر آن می‌دارد که یا قائل به نظر شیخ الشریعه اصفهانی باشیم و این حدیث را نهی از ضرر زدن بدانیم و یا قائل به نظر امام خمینی بوده و آن را نهی حکومتی و سلطانی از ضرر رساندن بدانیم. البته چنانچه بنا به نظر شیخ انصاری، حدیث لاضرر را نفی حکم ضرری یا بر اساس دیدگاه آخوند خراسانی آن را نفی حکم به لسان نفی موضوع بدانیم می‌توان حرمت ضرر زدن به محیط زیست را از فقره‌ی دوم روایت؛ یعنی «لاضرار» استدلال کرد؛ زیرا چنان که درباره‌ی معنی ضرر و ضرار گفتیم، ضرار مصدر باب مفاعله بوده و به معنی نفی حکم نخواهد بود؛ بلکه به معنی ضرر طرفینی یا اصرار بر ضرر و مهم‌تر این که ناشی از فعل انسان‌ها خواهد بود. بنابراین انسان‌ها حق ضرر زدن بر یکدیگر را با اتلاف یا تخریب یا هر گونه ضرر بر محیط زیست ندارند.

۵- روایت حرام بودن سفر شکاری در غیر نیازمندی‌هایش

این روایت به شرح زیر است:

« به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی به مدت یک یا دو روز برای شکار از شهر خارج می‌شود آیا باید نمازش را شکسته بخواند یا کامل؟ امام فرمود: اگر سفر شکاری به جهت تأمین نیازهای خود یا خانواده‌اش است، روزه نگیرد و نمازش را شکسته بخواند و اگر این شکار برای کسب مالی علاوه بر نیازش است نه. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵/۱۱۵؛ حلی، تذکره الفقهاء، ۱/۱۹۲)»

از این‌گونه روایت‌ها معلوم می‌شود؛ شکار حیوانات که در واقع بخشی از زیبایی‌های محیط زیست محسوب می‌شوند و حفظ تعادل در محیط زیست به وجود آنها بستگی دارد فقط در صورتی مجاز است که فرد برای تأمین نیازمندی‌های زندگی خود یا خانواده خود مجبور به شکار باشد و در غیر این صورت یعنی در صورتی که شکار به جهت تأمین نیاز نباشد حرام خواهد بود.

در این زمینه، روایت‌های دیگری نیز در باب حفظ و حراست از حیوانات به عنوان بخشی از محیط زیست وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

« از امام صادق(ع) روایت شده که پیامبر(ص) فرمودند: جوجه‌های پرندگان را در لانه‌هایشان و پرندگان را در هنگام خوابشان شکار نکنید؛ مردی پرسید: یا رسول‌الله خواب پرندگان چیست؟ پیامبر(ص) فرمود: شب زمان خواب آنها است؛ بنابراین نباید آنها را در شب پریشان کنید تا صبح شود و جوجه پرندگان را در لانه‌اش شکار نکنید تا پر درآورد و پرواز کند وقتی پرواز کرد می‌توانید او را شکار کنید. » (طوسی، الاستیصار، ۶۵/۴؛ حر عاملی، وسایل الشیعه، ۲۳۹/۱۶)

در روایت دیگری نیز از پیامبر(ص) شب امان پرندگان دانسته شده و از شکار آنها در شب نهی شده است. (همو، همان) از مجموع این روایت‌ها، رعایت مقررات شرعی محیط زیست حتی در مورد شکار فهمیده می‌شود و این که استفاده از محیط زیست باید تحت مقررات انجام پذیرد.

۶- ممنوعیت نابود کردن محیط زیست

فقه اسلام آن قدر به حفاظت از محیط زیست اهمیت داده که حتی نابود کردن محیط زیست را در هنگام جنگ نیز ممنوع دانسته و اجازه نداده است؛ مگر آن که چاره‌ای جز آن نباشد.

ابن ادریس در سرائر در این باره می‌نویسد:

« نابود کردن مساکن و کشتزارها و قطع درختان و یا صدمه زدن به آنها در هنگام جنگ جایز نیست، مگر آن که چاره‌ای جز آن نباشد. » (۲۱/۲)

شهیدثانی و محقق حلی هرگونه صدمه زدن به محیط زیست در هنگام جنگ را مکروه می‌داند و می‌فرماید:

« بریدن درختان، پرتاب آتش و باز کردن آب به سوی دشمن مکروه است. » (مسالك، ۲۵/۳؛ شرایع، ۲۳۶/۱)

محقق کرکی نیز احتمال حرمت را قوی دانسته و حتی کشتن حیوانات را شدیدتر از بریدن درختان دانسته و حرمت را در آن بسیار قوی می‌داند. (جامع المقاصد، ۴۱۲/۳)

بنابراین، حتی جنگ با شرایط اضطراری آن مجوزی برای نابود کردن محیط زیست نیست و حفاظت از محیط زیست حتی در هنگام جنگ نیز واجب و نابود کردن آن مکروه و حتی حرام دانسته شده است.

۷- دلیل عقل:

بنا به دلیل عقل^۱ هر گونه اقدام انسان که موجب برهم خوردن توازن و تعادل طبیعت و آنچه در آن زیست می‌کند شود و موجب اخلال در نظام زندگی بشر گردد، زشت و حرام است و در مقابل تلاش انسان در جهت حفظ و حمایت از موجودات و محیط زیست و جانداران آن برای زیست بهتر آنها موجب حفظ نظام طبیعی جهان و بقای نوع گونه‌های مختلف و محیط زیست می‌شود و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل، حفظ نظام هستی و بقای نوع بشر است که این مطلب از قضایای مشهوره و مورد تأیید عقلا است و آرای عقلا جملگی بر آن استقرار یافته است و خداوند نیز به عنوان خالق عقل و رئیس العقلا با آن همراه گشته است. انسان مورد کرامت الهی واقع شده^۲ (اسراء/۷۰) و به حکم استخلاف بر زمین سلطه یافته^۳ (انعام/۱۶۵) و همه چیز در جهان برای او خلق شده است.^۴ (بقره/۲۹) با این اوصاف مسلماً برهم خوردن نظم موجود در طبیعت به سبب افراط و تفریط یا اتلاف و تخریب و از بین رفتن مواهبی که خداوند جهت استفاده انسان در طبیعت به ودیعه نهاده است، آسیب‌های جدی به انسان وارد خواهد کرد و در نتیجه هر اقدامی که باعث بروز آسیب به این مجموعه شود زشت و ظالمانه خواهد بود و عقل سلیم آن را رد می‌کند و هر تلاشی که در جهت تحکیم این نظام آراسته و موجب کمال انسان گردد، عادلانه و حسن خواهد بود.

۸- سیره‌ی عقلا

چنانچه سیره‌ی عقلا اثبات شود و بر اساس عقل سلیم شکل گرفته و شارع نیز آن را رد نکرده باشد؛ حجت است و می‌توان از آن به عنوان یک دلیل شرعی استفاده کرد.

^۱. (مدرکات عقلی یعنی همان حسن و قبح عقلی)

^۲. « و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناه فی البر و البحر و فضلناه علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً »

^۳. « هو الذی جعلکم خلائف فی الارض »

^۴. « هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً »

در این جا نیز سیره‌ی عقلا بر حفظ محیط زیست و تخریب نکردن آن تعلق گرفته و این که انسان‌ها باید در این مورد حق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به آن تعدی نکنند.

این سیره نیز همچون دلیل عقل با عدم ردع شارع مورد تأیید قرار گرفته است و حتی می‌توان با دلیل‌هایی که پیش از این آمد، قبلاً بیان کردیم مورد تأیید مستقیم شارع نیز قرار گرفته است.

۹- رعایت عدالت

عدالت رفتار بسیار پسندیده‌ای است که مورد تأیید عقل و شرع بوده و عمل بر طبق آن واجب است چنان که قرآن کریم در موارد متعدد امر به عدالت می‌کند:

« عادل باشید که عدالت به تقوی نزدیک‌تر است. »^۱ (مائده/۸)

در آیه دیگر عمل به عدالت واجب دانسته شده تا آنجا که حتی رابطه خویشاوندی نیز نباید جلوی عمل کردن به عدالت را بگیرد.

« هر گاه سخنی گویند به عدالت گرایید هر چند درباره‌ی خویشاوندانتان باشد. »^۲
مسئلاً رفتار عادلانه در رابطه با محیط زیست شامل؛ اتلاف نکردن و صدمه نزدن و رعایت مسائل بهداشتی و ایمنی در مورد آن است.

نتیجه‌گیری

۱- انسان به حکم اصاله الاباحه و اصاله الجواز می‌تواند از محیط زیست که نعمتی است خدادادی، استفاده کند؛ هم‌چنین می‌توان حکم برتری استفاده مفید از محیط زیست را از ادله فقهی نظیر دلیل عقل و آیه‌های گوناگون قرآن استنباط کرد، حتی در برخی موارد که استفاده از محیط زیست (طبیعت) جهت حفظ سلامتی در برخی بیماران خاص یا مشاغل خاص لازم است می‌توان حکم به استحباب و در مواردی وجوب را استنباط کرد.

^۱. « اعدلوا هو اقرب للتقوی »

^۲. « و اذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذا القربی »

۲- در بسیاری از موارد که استفاده انسان باعث اسراف یا ایراد ضرر به محیط زیست می‌گردد؛ برای نمونه، باعث تخریب یا آلوده سازی آن می‌شود این استفاده محدود شده است که می‌توان این محدودیت‌ها را با دلیل‌هایی مانند؛ قاعده‌ی اتلاف، قاعده‌ی لاضرر و ... اثبات کرد. برای نمونه، اگر «لاضرر» به معنی نهی از ضرر زدن یا نهی حکومتی از ضرر زدن باشد به خوبی دلالت بر حرمت اضرار بر محیط زیست خواهد داشت و در صورتی که به معنی نفی حکم ضرری یا نفی حکم به لسان نفی موضوع باشد باز هم می‌توان با توجه به فقره‌ی دوم روایت، یعنی «لاضرار» ضرر بر محیط زیست را که ناشی از فعل انسان است، منفی دانست و حکم به حرمت آن صادر کرد.

۳- راه‌کار عملی اسلام در حفظ محیط زیست (احیای موات) و آیه‌های قرآن^۱ و روایت‌هایی هم‌چون؛ حرمت سفر شکاری لهو به خوبی تأکید فقه اسلام را بر حفظ محیط زیست نشان می‌دهد زیرا آیه‌ها، دلالت بر نهی از افساد در زمین دارند و می‌دانیم که نهی ظهور در حرمت دارد و روایت‌ها نیز مستقیماً به حرمت نابود کردن محیط زیست اشاره دارند.

۴- حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از نابود کردن آن، آن‌چنان دارای اهمیت است که فقهای بزرگوار شیعه نابود کردن محیط زیست هم‌چون؛ بریدن درختان، ریختن آتش، ریختن سم، شکستن سدهای آب، نابود کردن مساکن و کشتزارها و ... را حتی در هنگام جنگ نیز اجازه نداده‌اند و گروهی آن را مکروه و گروهی حرام دانسته‌اند مگر آن‌که چاره‌ای از این نابود کردن نباشد.

۵- دلیل عقل، سیره‌ی عقلا و رعایت عدالت بر حفظ محیط زیست و حرمت اضرار و تخریب آن دلالت دارد؛ بر اساس دلیل عقل هر اقدامی که منجر به برهم خوردن نظم موجود در طبیعت یا اتلاف یا تخریب آن شود، ناپسند و ظالمانه خواهد بود و هر اقدامی که در جهت تحکیم این نظام آراسته انجام شود، حسن و عادلانه خواهد بود و موجب رشد و کمال انسان می‌شود؛ سیره‌ی عقلا و اجرای عدالت نیز با این رویه هماهنگ بوده و با ادله‌ی نقلی مانند آیه‌های قرآن و روایت‌های نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

۱. هم‌چون؛ «لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (اعراف / ۸۵)

کتابنامه:

- * قرآن کریم
- ۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ه. ش.
 - ۲- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، سرائر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ه. ق.
 - ۳- اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
 - ۴- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه. ق.
 - ۵- _____، _____، المكاسب، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه. ق.
 - ۶- _____، _____، کتاب الطهاره، مؤسسه الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق.
 - ۷- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، دارالاحیاء للتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق.
 - ۸- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹ ه. ق.
 - ۹- حلی (محقق)، جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ ه. ق.
 - ۱۰- خراسانی (آخوند)، محمد کاظم، کفایة الاصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ ششم، ۱۴۲۲ ه. ق.
 - ۱۱- خمینی، روح الله، الرسائل، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۸۵ ه. ق.
 - ۱۲- شهید اول، محمد بن مکی، اللمعه دمشقیه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۲۱ ه. ق.
 - ۱۳- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه. ق.
 - ۱۴- _____، _____، الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، انتشارات داوری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق.
 - ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا.
 - ۱۶- طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ه. ش.
 - ۱۷- _____، _____، الخلاف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
 - ۱۸- _____، _____، المبسوط، مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ه. ق.
 - ۱۹- _____، _____، النهایة، دارالاندلس، بیروت، بی تا.
 - ۲۰- کرکی، علی بن الحسن، جامع المقاصد، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق.
 - ۲۱- مراغه ای، میر عبد الفتاح، العناوین الفقهیه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
 - ۲۲- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، فیروز آبادی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه. ش.

- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیه، مدرسه امام امیرالمومنین(ع)، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۲۴- موسوی بجنوردی، حسن، القواعد الفقیه، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۲۵- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ه.ش.
- ۲۶- نراقی، احمد، عوائد الایام، منشورات مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.